محبوبه قربانی
پرونده
اردوهای جهادی

محمدحسن کارخانه، مسئول گروه جهادی «شهدای تفحص» در گفت‌وگو با «جوان»:

حرکت‌های جهادی، پلی به سوی تحول فردی، اجتماعی و ساخت رهبران آینده است

امروز روز حرکت‌های جهادی و امداد مردمی است؛ روزی که یادآور حضور رهبر معظم انقلاب به‌عنوان روحانی جهادگر در زلزله دهم شهریور ۱۳۴۷ فردوس است و از همان روز تا امروز، مسیر خدمت و ایثار با نگاه حکیمانه ایشان برای جوانان روشن مانده است. اردوهای جهادی را می‌توان حرکت‌هایی دوسر سود دانست؛ از یک‌سو با بیل و کلنگ، با لبخند و اشک خانه می‌سازند، مدرسه بنا می‌کنند و محرومیت را می‌زدایند و از سوی دیگر، تجربه‌ای اخلاقی، معنوی، شغلی و اجتماعی به ارمغان می‌آورند. این حضور خودجوش نه‌تنها روحیه مسئولیت‌پذیری و ایثار را در نسل جوان تقویت می‌کند، بلکه خانواده‌ها را نیز به تجربه‌ای انسانی و معنوی دعوت می‌سازد؛ تجربه‌ای که در آن گذشت از تعلقات دنیوی، خدمت خالصانه و همدلی با مردم، راه رسیدن به رضایت الهی و ساختن جامعه‌ای انسانی‌تر را نشان می‌دهد. محمدحسن کارخانه، مسئول گروه جهادی «شهدای تفحص» است. وی معتقد است این روحیه جهادی باید در جامعه زنده بماند و با وجود سختی‌ها، می‌تواند موتور محرک فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و عمرانی باشد. وی می‌گوید اردوهای جهادی باعث تغییر شخصیت و تقویت مسئولیت‌پذیری در جوانان می‌شود؛ جوانانی که مانند دوران دفاع مقدس به‌جای سلاح، بیل و کلنگ به دست دارند و با همان روحیه شب‌ها بیدار می‌مانند، نماز شب می‌خوانند، گریه می‌کنند و با خدا عشق‌بازی می‌کنند. اینجاست که بسیاری از والدین پس از بازگشت فرزندان‌شان، شاهد رفتار متفاوت و مثبت آنها هستند؛ جوانانی که پیش‌تر کمکی به خانواده نمی‌کردند یا نسبت به نماز و احترام به والدین بی‌توجه بودند، پس از تجربه سختی‌ها و مسئولیت‌ها در جهادی، پای کار مسئول‌تر می‌شوند. این تجربه نه‌تنها فرد را تغییر می‌دهد، بلکه به خانواده و جامعه نیز روح تازه‌ای می‌بخشد و جوانان را به رهبرانی توانمند برای آینده تبدیل می‌کند. متن زیر ماحصل گفت‌وگوی «جوان» با وی است که می‌خوانید.

ابتدا تعریفی از ماهیت اردوی جهادی داشته باشید و بفرمایید مؤثرترین پتانسیلی که می‌تواند موتور محرک آن باشد، چیست؟

بنا به تأکید رهبر معظم انقلاب بر رونق اردوهای جهادی، گروه‌های جهادی پای کار آمدند و کارهای بزرگی در زمینه راهسازی، آبرسانی، مدرسه‌سازی، خانه‌سازی، درمان و محرومیت‌زدایی انجام دادند و نگاه مردم به این حرکت بسیار مثبت بوده است. روحیه جهادی باید در جامعه زنده بماند. در شرایط سخت اقتصادی، برخی باور ندارند جوانان بتوانند تنها برای خدا و بدون منفعت شخصی خدمت کنند، اما تجربه اربعین و جهاد در مناطق محروم نشان می‌دهد خادمان و جهادی‌ها با استقامت و توکل، با وجود خطر و دشواری، خدمات عمرانی و درمانی ارائه کرده و محرومیت را کاهش می‌دهند؛ این حرکت می‌تواند موتور محرک عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و عمرانی باشد.

چند سالی است که در این عرصه مشغول فعالیت هستید و اولین اردوی جهادی که در آن شرکت داشتید کجا و با چه بهانه‌ای بود و آیا خاطره‌ای دارید؟

حضور جهادی‌ها از سال ۱۳۹۶ و همزمان با زلزله کرمانشاه پررنگ‌تر شد. پیش از آن هم در تهران، بم و دیگر مناطق فعالیت‌هایی انجام می‌دادند، اما این حادثه عزم‌شان را جدی‌تر کرد و چند ماه در کرمانشاه ماندند و خدمات بزرگی ارائه دادند.

یکی از خاطرات آن دوره مربوط به خانه‌ای در منطقه انارستان است که بر اثر آتش‌سوزی تخریب شده و خانواده‌ای با هفت فرزند بی‌پناه مانده بودند. در ابتدا حتی نزدیکان آن خانواده حاضر به کمک نبودند و تنها از دور نظاره می‌کردند. وقتی جوانان جهادی پای کار آمدند، اهالی تصور می‌کردند آنها از طرف یک نهاد رسمی اعزام شده‌اند، اما پس از چند روز متوجه شدند که هر یک از این جوانان با شغل‌های مختلف، از پزشک و مهندس گرفته تا کارمند، به‌صورت داوطلبانه و با هزینه شخصی آمده‌اند. همین موضوع هم باعث شد نگاه مردم تغییر کند و همراه خانواده‌های‌شان پای کار آمدند. نتیجه این همراهی، بازسازی سریع خانه و ایجاد اعتماد و احترام عمیق نسبت به جهادی‌ها بود. این تجربه نشان داد که حضور خالصانه جوانان می‌تواند حتی نگاه بی‌تفاوت جامعه را دگرگون کند و روحیه همدلی و همکاری را زنده سازد.

از روحیه جهادی و ایثارگری جوانان در کرمانشاه و سوسنگرد بگویید که دستاوردهای زیادی داشت.

در کرمانشاه و سوسنگرد، اردوهای جهادی سرشار از خاطرات خدمت بی‌وقفه بود. جوانان جهادی با کمترین استراحت و از خودگذشتگی، هم به داغدیدگان زلزله رسیدگی می‌کردند و هم به سیل‌زدگان. از ساخت مسجد، خانه و مدرسه تا تأمین جهیزیه و اسکان موقت، همه کارها را با روحیه‌ای معنوی و صمیمی پیش می‌بردند. در سوسنگرد، با وجود گرمای بالای ۵۰ درجه، حتی کولر ماشین خود را روشن نمی‌کردند تا همدردی‌شان واقعی باشد. طی دو سال، ۱۴۸ خانه، چند مدرسه، صدها خانه بازسازی‌شده و ۱۵۰ جهیزیه حاصل تلاش‌شان بود. همه این کارها بدون هیچ چشم‌داشتی، تنها از سر ایمان و انسانیت انجام شد؛ همانطور که مردم سوسنگرد در دفاع مقدس سنگر اول بودند، این بار جهادی‌ها سنگر خدمت را در کنارشان برپا کردند.

چرا به مشارکت جوانان در اردوهای جهادی نسبت به گروه‌های سنی دیگر، توصیه بیشتری می‌شود و طبق تجربه جنابعالی چه چیزی آنها را در این راه باانگیزه‌تر می‌کند؟

تجربه هشت‌سال دفاع مقدس نشان داد بسیاری از شهدای ما در جوانی به افتخار شهادت رسیدند و کسانی که جانباز شدند یا امروز در خدمت مردمند، همان زمان مسیر زندگی خود را پیدا کردند. جوانی سن انجام کارهای بزرگ و انتخاب مسیر درست است و بسیاری از جوانان امروز نیز راه عاقبت‌به‌خیری را برگزیده‌اند، در حالی که برخی هم‌سن‌وسال‌های‌شان به دنبال خوشی‌ها و لذت‌های دنیوی رفتند.

> کار برای خدا خودش ارزش و عزت پیدا می‌کند و دیگر نیازی به تعریف ندارد. نیروی جهادی وقتی وارد میدان می‌شود، دیگران را هم جذب می‌کند؛ گاهی خانواده و دوستانش را همراه می‌آورد. این نشان می‌دهد خدمت خالصانه بهترین تبلیغ است. نوکری برای خدا دو نتیجه دارد؛ رضایت الهی و خدمت به مردم و هرچه نیت پاک‌تر باشد، خدا نیرو و برکت بیشتری به کار می‌دهد

جوانانی که در اردوهای جهادی حضور می‌یابند، با سختی‌ها و دوری از خانواده، بدون امکانات و حتی با خطراتی مانند عقرب یا مارگزیدگی، پای کار می‌ایستند تا دل خود را از تعلقات دنیوی پاک کنند و به خدا نزدیک شوند. این تجربه، ادامه همان روحیه‌ای است که در دفاع مقدس نوجوانان با آن بزرگ شدند، با این تفاوت که امروز به‌جای سلاح، بیل و کلنگ به دست دارند و با شب‌بیداری، نماز شب و عشق به خدا مسیر خدمت را طی می‌کنند.

برای بسیاری از این جوانان، حضور در جبهه‌های خدمت تجربه‌ای عمیق و غیرقابل توصیف است. وقتی خودشان حضور پیدا می‌کنند و تلاش برای کمک به مردم را لمس می‌کنند، معنای واقعی جهاد و ایثار را درک می‌کنند؛ یعنی گذشتن از تعلقات دنیا، دل کندن از مادیات و انتخاب رضایت الهی. این تجربه لذت‌بخش باعث می‌شود هر سال بازگردند و حتی دوستان خود را نیز همراه کنند. اردوهای جهادی نه‌تنها جوانان را مسئول، پای کار و متعهد می‌سازد، بلکه روحیه خدمت، ایثار و نزدیکی به خدا را در آنها نهادینه می‌کند و مسیر زندگی‌شان را روشن می‌سازد.

یکی از دستاوردهای مهم اردوهای جهادی، تحول شخصیت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری جوانان است. بسیاری از خانواده‌ها از تغییر رفتار فرزندان‌شان پس از اردو شگفت‌زده می‌شوند؛ جوانی که پیش‌تر نسبت به نماز یا کارهای خانه بی‌تفاوت بود، پس از تجربه خدمت، متعهد و مسئول می‌شود. این تحول نه‌تنها فردی، بلکه به کل خانواده روح تازه‌ای می‌بخشد. اردوهای جهادی جوانان را با سختی‌ها آشنا کرده، مهارت حل مسئله، مدیریت بحران و رهبری جمعی را در آنها پرورش می‌دهد و می‌توان گفت مدرسه‌ای برای تربیت رهبران آینده جامعه است.

از ظرفیت جوانان چگونه و چقدر در اردوهای جهادی استفاده بهینه می‌شود؟

حرکت جهادی کاملاً مردمی است و وابسته به هیچ ارگانی نیست. هر کسی با هر توان و امکانی که دارد وارد میدان می‌شود و کمک می‌کند. از حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مساجد و حتی کوچک‌ترین روستاها، جوانان مشتاقانه پای کار می‌آیند. باورش سخت است که از محروم‌ترین نقاط هم نیروهای جهادی بلند می‌شوند تا در خدمت مردم مناطق دیگر باشند. جهاد نباید محدود به یک اردوی کوتاه ۱۵ روزه یا یک‌ماهه باشد. خدمت واقعی، یعنی گرفتن یک پروژه از ابتدا تا انتها؛ شروع کار با بسم‌الله و به‌پایان رساندن آن با تمام سختی‌ها. نیمه‌کاره گذاشتن کار، ضررش بیشتر از منفعتش است. خوشبختانه امروز جوانان جهادی این نگاه را دارند و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. هر کسی که وارد عرصه می‌شود، چند نفر دیگر را هم با خود می‌آورد. این یعنی مردم ما همچنان دغدغه‌مند هستند و نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند. وقتی می‌بینند خانواده‌ای سقف بالای سر ندارد، کودکی به مدرسه نمی‌رود یا هم‌وطنی گرسنه است.

برخی معتقدند حرکت‌های جهادی و امداد مردمی عملاً جای خالی دولت را پر می‌کنند و ممکن است مسئولان از وظایف اصلی شانه خالی کنند. این نگرانی چقدر جدی است؟

کار جهادی و وظایف دولت هر کدام جایگاه خود را دارند. دولت باید مسئولیت‌هایش را جدی بگیرد و در کنار گروه‌های جهادی باشد، نه مانع آنها. تجربه نشان داده جهادی‌ها در کوتاه‌مدت کارهایی مثل ساخت مدرسه و خانه انجام می‌دهند، در حالی که برخی پروژه‌های دولتی مانند مسکن مهر سال‌ها به تأخیر افتاده است. وقتی کم‌کاری و بازی‌های سیاسی جای خدمت را بگیرد، فقر و فاصله طبقاتی بیشتر می‌شود، تضادی که بسیار نگران‌کننده است.

آماری از رضایت مردم دارید؟ آیا رضایت در مناطقی که جهادی‌ها فعالیت می‌کنند اهمیت و ثمراتی دارد؟

برای سنجش واقعی رضایت مردم باید به مناطق محروم رفت و نظر مستقیم اهالی را شنید. تجربه‌ها نشان می‌دهد حتی کارهای کوچک، مانند ساخت غسالخانه در هیرمند، می‌تواند وحدت شیعه و سنی و رضایت عمومی را به همراه داشته باشد. در کرمانشاه نیز ساخت یک خانه، موجی از همدلی و همکاری بین اهالی ایجاد کرد. جهادی‌ها با خدمت بی‌چشمداشت، مردم را به حرکت و بیداری اجتماعی واداشته‌اند و نتیجه آن، شکل‌گیری اتحادها و ثمرات ارزشمند در مناطق محروم بوده است.

برای افزایش و تشویق مشارکت بیشتر از سوی خانواده‌ها و فرزندان‌شان در اردوهای جهادی، به نظر شما چه راهکارهای جذابی می‌توان به کار گرفت تا آنها احساس کنند حضورشان واقعاً مؤثر و معنادار است؟

وقتی کاری برای خدا انجام شود، خود خدا به آن ارزش عزت می‌دهد و همین کافی است تا کار جذاب و اثرگذار شود. دیگر نیازی به تعریف و توضیح نیست. هر نیروی جهادی که وارد میدان می‌شود، اغلب چند نفر دیگر را هم با خود همراه می‌کند. حتی کسانی که تا به حال تجربه جهادی نداشته‌اند، وقتی اخلاص و خدمت دیگران را می‌بینند، جذب می‌شوند. این یعنی خدمت خالصانه به خدا و مردم که بهترین تبلیغ است. اگر کسی با نیت پاک برای مردم کار کند، نیروهای تازه خودشان به میدان می‌آیند و دوستان و خانواده‌های‌شان را هم دعوت می‌کنند. گاهی پدر پسرش را می‌آورد یا برعکس، پسر پدرش را وارد جمع می‌کند و همین‌طور دوستان همدیگر را همراه می‌سازند. در نهایت، نوکری خالصانه برای خدا دو نتیجه دارد: رضایت الهی و خدمت به بندگانش. وقتی نیت فقط خدا و مردم باشد، خداوند هم به کار برکت می‌دهد، نیروهای بیشتری جذب می‌شوند و خدمت‌ها روزبه‌روز گسترده‌تر پیش می‌رود.

به نظر شما چه موانعی بر سر راه مشارکت در این عرصه مهم وجود دارد و چه توصیه‌ای برای جوانانی دارید که ممکن است در آینده با چنین چالش‌هایی روبه‌رو شوند؟

ما کار جهادی و مردمی انجام می‌دهیم، بنابراین صددرصد نگاه‌مان نگاه مردمی است. دنبال این نیستیم که چه کسی چه کار می‌کند یا چه اقدامی انجام می‌دهد. شخصاً به دوستان جهادی گفته‌ام انتظاری از مسئولان نداریم و امیدواریم در کار جهادی سنگ‌اندازی نشود. به لطف خدا دوستان با توکل پای کار می‌آیند و کارها را با جدیت انجام می‌دهند و تا جایی که توان دارند، نوکری مردم را انجام می‌دهند. هر عزیزی که دارد کار می‌کند، به جرأت می‌توان گفت هر روز، هر ثانیه و هر ساعتش را به یک نیت خدمت می‌کند. همین باعث می‌شود تأثیرگذاری کارشان بیشتر شود.

اگر قرار باشد یک پیام اصلی به تمام جوانان کشورمان بدهید که آنها را به سمت مشارکت فعال و داشتن روحیه مقاومت در برابر مشکلات سوق دهد، آن پیام چه خواهد بود؟

جوانان اگر با نیت خدایی در خدمت مردم ثابت‌قدم بمانند، نه از دنیا خسته می‌شوند و نه از آخرت و هر کاری برای‌شان توشه‌ای خواهد بود. خدمت به خلق راه رسیدن به خدا و اهل‌بیت(ع) است و حتی بر زیارت مقدم دانسته می‌شود. نمونه‌اش وقتی جهادگران به‌جای سفر اربعین، ساخت مدرسه‌ای در سوسنگرد را تمام کردند و همان مدرسه بعدها محل اسکان زائران اربعین شد و آنها شدند خادم‌الحسین(ع). باور جهادی‌ها این است که گره‌گشایی از کار مردم، خود زیارت حقیقی و خادمی امام حسین(ع) است. همین اعتقاد، انگیزه و استقامت آنان را در سختی‌ها زنده نگه می‌دارد.

یادداشت

خدمات خالصانه‌ای که به آن سوی مرزها رسید

اردوهای جهادی، همان گروه‌های داوطلبی که با هدف کمک به نیازمندان و محرومان تشکیل شده‌اند، در گذشته بیشتر در روستاها و مناطق محروم ایران فعالیت داشتند و کارهایی مثل ساخت مدرسه، خانه، درمانگاه یا کمک به مردم در مواقع سختی را انجام می‌دادند، اما امروز این فعالیت‌ها برای کمک‌رسانی به مردم نیازمند گسترده‌تر شده است. برای مثال، در ایام اربعین، جهادگران در مسیرهای منتهی به کربلا با ارائه غذا، آب، خدمات درمانی و کمک‌های دیگر به زائران یاری می‌کنند. همچنین در بحران کشورهایی مانند لبنان و سوریه، این گروه‌ها به آوارگان و کسانی که زندگی‌شان تحت تأثیر جنگ یا فقر قرار گرفته کمک می‌رسانند. همه این فعالیت‌ها با همان روحیه اخلاص، ایثار و خدمت خالصانه انجام می‌شود و نشان می‌دهد کمک کردن به دیگران مرز جغرافیایی نمی‌شناسد.

حضور فعال جهادگران در خارج از ایران نشان می‌دهد اردوهای جهادی دیگر فقط یک حرکت کوتاه‌مدت یا محلی نیست، بلکه به یک جریان زنده و مؤثر در سطح منطقه تبدیل شده‌است. فرهنگ خدمت و همدلی این جوانان، از روستاهای کوچک ایران آغاز می‌شود و می‌تواند تا بیابان‌های سوریه و محله‌های محروم لبنان امتداد پیدا کند. امروز اردوهای جهادی نه‌تنها برای مردم داخل کشور امیدآفرین هستند، بلکه در آن‌سوی مرزها هم نشانه‌ای از انسانیت، همبستگی و روحیه جوانان ایرانی به شمار می‌آیند.

حضور یک مقیم امریکایی در حرکت‌های جهادی

این حرکت جهادی نه‌تنها خودجوش و انگیزه جوانان ایرانی داخل کشور را نشان می‌دهد، بلکه دیگر جوانان با غیرت ایرانی از کشورهای مختلف را هم پای کار می‌آورد. نمونه بارز آن حاج محسن فلاطون‌زاده، اهل دزفول و مقیم امریکاست. او بیش از ۳۰ سال در امریکا زندگی کرده و گاهی به ایران سفر می‌کرد تا اینکه در جریان سیل خوزستان، زمانی که قصد سفر داشت، پرواز خود را به تأخیر انداخت و به کمک آسیب‌دیدگان شتافت. ابتدا به شهر الهائی، یکی از مناطق آسیب‌دیده رفت و فعالیت‌های جهادی خود را آغاز کرد.

در کنار او، گروهی از جوانان تهرانی وارد میدان شدند و رفاقتی شکل گرفت که منجر به تأسیس گروه «شهدای مدافع حرم» شد؛ گروهی که با توصیه شهید حاج قاسم سلیمانی برای خدمت به مردم خوزستان تشکیل شد. آقای فلاطون‌زاده عهدی یک‌ساله بست و تصمیم گرفت در ایران بماند و سفر خود را به تأخیر بیندازد. پس از آن بود که این مدت به سه سال تمدید شد. حاصل این حضور مستمر، بیش از شش سال فعالیت جهادی در استان خوزستان از جمله در مناطق محرومی مانند غیزانیه و در عرصه‌های گوناگون محرومیت‌زدایی بود.

او با انگیزه‌ای خالصانه در میدان باقی ماند و پس از آن، به فرمان رهبر انقلاب برای کمک به مردم لبنان رفت. ابتدا در بیروت و سپس در شهر بعلبک مستقر شد و از آن زمان تاکنون به‌صورت مستمر و طولانی‌مدت به شیعیان لبنان خدمت می‌کند. فعالیت‌های او شامل کمک‌رسانی به نیازمندان و پشتیبانی از جبهه مقاومت است و نمونه‌ای روشن از روحیه جهادی و خدمت خالصانه به مردم و جامعه جهانی به شمار می‌آید.

کار جهادی جهانی برای شکستن حصر غزه

نمونه‌ای دیگر از این همبستگی جهانی را می‌توان امروزه در کمک‌های بشردوستانه به مردم مظلوم غزه مشاهده کرد؛ خدماتی که شاید در ذهن بسیاری از مردم دنیا، با توجه به حصر شدید این سرزمین به‌واسطه ظلم خونخوار جهانی، دست‌نیافتنی به نظر برسد. با این حال، شنیده‌ها حاکی از آن است که بیش از چند کشتی حامل کمک‌های مردمی از سراسر جهان، از جمله کشور عزیزمان ایران، به همت جمعی از کشورها در راه غزه است. در یک برنامه تلویزیونی که از شبکه قرآن پخش شد، مجری از حجت‌الاسلام محمد مسلم وافی به‌عنوان یک فعال فرهنگی درباره علت حضور نمایندگان ایرانی در کشور تونس سؤال کرد و اینکه چه اتفاق مهمی در تونس در حال رخ دادن است و چه حرکتی از سوی عزیزان و کنشگرانی از ۴۵ کشور در حمایت از مردم مظلوم غزه رقم می‌خورد.

استاد وافی در ابتدای سخنانش بر این نکته تأکید کرد که همه مردم نگران وضعیت غزه هستند و آنچه از اخبار رسمی شنیده می‌شود، تنها بخشی کوچک از فاجعه‌ای است که در این سرزمین رخ می‌دهد. دغدغه اصلی این است که چگونه می‌توان به مردم غزه کمک کرد. وی گفت پیش‌تر

تلاش‌هایی از طریق هلال‌احمر و حتی ارسال کشتی‌ها از مسیر دریا انجام شد، اما این بار ماجرا شکل متفاوتی پیدا کرده است. اکنون تعداد زیادی کشتی و قایق کوچک و بزرگ از نقاط مختلف جهان حرکت کرده‌اند. هدف نخست این حرکت، شکستن حصر غزه است. تاکنون دهها کشتی راهی شده‌اند و برخی از آنها طی روزهای آینده به بندر تونس می‌رسند تا با دهها کشتی دیگر همراه شوند. در حال حاضر بیش از ۷۰ کشتی در حال بارگیری و آماده حرکت به سمت سواحل آزاد هستند.

باور فعالان این کاروان این است که اگر صهیونیست‌ها قصد حمله داشته باشند، شاید بتوانند چند کشتی را هدف قرار دهند، اما قادر به متوقف کردن همه نخواهند بود. صحنه‌هایی که در این کاروان مشاهده می‌شود، جلوه‌ای از همان وعده الهی است که قدرت را به مستضعفان می‌بخشد. مستضعفانی از ۴۵ کشور دنیا به این حرکت پیوسته‌اند. پیرزنی ۷۰ ساله برای حضور آمده و مادری با چهار فرزندش نیز تصمیم گرفته به سمت غزه حرکت کند. نکته قابل توجه اینجاست که بسیاری از این افراد مسلمان نیستند؛ برخی مسیحی و حتی بودایی هستند، اما می‌گویند حاضرند جان خود را در راه مردم غزه فدا کنند. بسیاری از آنان شاید مفهوم شهادت را به معنای اسلامی آن درک نکنند، اما با شور و اشتیاق از «کشته شدن در مسیر عدالت» سخن می‌گویند.

این اتفاقات یادآور همان حقیقتی است که در فرهنگ انتظار از آن گفته می‌شود: قیام برای حق و عدالت. صحنه‌هایی که امروز در جهان شکل گرفته، نشانه‌هایی از همین جوشش عدالت‌خواهی است. در این میان، جای مردم ایران نیز خالی نیست. گروه‌های مختلف مردمی از ایران حضور دارند؛ همان‌طور که در ماجرای سوریه و لبنان زنان ایرانی با اهدای طلا و مردم با کمک‌های مالی همراهی کردند، اکنون نیز نمایندگانی از دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و گروه‌های مردمی حضور یافته‌اند تا پرچم ایران را در این حرکت بلند نگه دارند.

از سوی دیگر، واکنش مردم جهان نسبت به نقش ایران در مقابله با صهیونیست‌ها بسیار قابل توجه است. بعد از پاسخ محکم ایران در جنگ ۱۲ روزه، در کشورهای مختلف وقتی متوجه می‌شوند فردی از ایران آمده، با شوق از او استقبال می‌کنند. بسیاری می‌گویند: «اگر ما امروز با هزینه‌های شخصی قایق و کشتی می‌فرستیم، شما با موشک‌های‌تان توانستید صهیونیست‌ها را عقب برانید.» این احساس مشترک در میان آزادی‌خواهان جهان دیده می‌شود.

در رسانه‌ها و فضای مجازی نیز خبر حرکت کشتی‌هایی از نقاط مختلف، از جمله بارسلونا منتشر شده است؛ کشتی‌ای که نزدیک به ۷۰۰ آزادی‌خواه بر عرشه آن حضور دارند. روشن است که در این حرکت، فراتر از رساندن بار و مواد غذایی، خود حضور انسان‌ها اهمیت دارد و پیام اصلی آن شکستن حصر است. در عین حال، هزینه اجاره کشتی‌ها بسیار بالاست و بسیاری از صاحبان کشتی به دلیل خطر حمله صهیونیست‌ها، حاضر به اجاره دادن نیستند؛ به همین دلیل برخی گروه‌ها ناچار به خرید کشتی و قایق شده‌اند. نمایندگان ایرانی حاضر در این حرکت نیز مأموریت دارند با کمک‌های مالی مردم، سه تا چهار کشتی را تجهیز و به کاروان ملحق کنند.

نکته مهم این است که وقتی سخن از پرچم ایران می‌رود، منظور تنها حضور یک فرد ایرانی بر عرشه و سر دادن شعار نیست، بلکه همین که ملت‌ها بدانند ایرانیان در این حرکت مشارکت دارند، به معنای حضور و برافراشته بودن پرچم ایران است.

با شنیدن این توضیحات باید گفت، تمامی این تلاش‌ها نشانه‌ای روشن از تداوم روحیه جهادی و کار جهادی است؛ روحیه‌ای که از مرزها فراتر رفته و امروز در اقصی نقاط جهان، در حمایت از مظلومان، به رونق و شکوفایی رسیده است.